

مقاله پژوهشی

مطالعه کیفی احساس امنیت زنان در محیط خانواده

مورد مطالعه: زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهرستان کرج*

صادق جهانبخش گنجه^۱

چکیده

پژوهش حاضر باهدف درک و تفسیر زنان از احساس امنیت اجتماعی در محیط خانواده انجام گرفته است. برای رسیدن به هدف تحقیق از روش‌های تحقیق کیفی (نظریه زمینه‌ای) استفاده شده که با توجه به جامعه آماری تحقیق، با ۱۵ نفر از زنان شهرستان کرج با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند در این مورد مصاحبه‌هایی انجام شد و داده‌ها کدگذاری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در این زمینه ابتدا با هریک از پاسخگویان مصاحبه شد و بعد از استخراج و تحلیل داده‌ها به پاسخگوی دیگری مراجعه می‌شد تا اینکه پژوهش با پانزده نفر به اشباع رسید. یافته‌ها در قالب مدل زمینه‌ای متشکل از ۷ مقوله تشریح شدند. در این پژوهش نشان داده شد که احساس امنیت به صورت یک طیف مطرح است. در یکسر این طیف احساس امنیت را می‌توان برشمرد که متأثر از ساختار بیرونی محیط خانواده (به‌عنوان مثال جامعه) است و در سر دیگر آن طیف احساس امنیت در محیط خانواده است که چنانچه این احساس وجود نداشته باشد پیامدهای فراوانی برای جامعه می‌تواند به بار آورد. نتایج نشان داد که صداقت، رضایت از زندگی، اعتماد به نفس و صمیمیت می‌توانند بر احساس امنیت در خانواده مؤثر هستند. همچنین پیامدهای عدم احساس امنیت در محیط خانه می‌تواند موجب بی‌بندوباری، اعتیاد، گرایش به بیرون از خانه و بد اخلاقی شود.

واژگان کلیدی: احساس امنیت، زنان، محیط خانواده، گردند تئوری

* این اثر خلاصه ای از یک طرح پژوهشی متعلق به مرکز علم و فناوری اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع) می باشد.

S.jahanbakhsh68@gmail.com

۱ - دانشجوی دکتری سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۴

DOI: 10.22051/jwfs.2020.20670.1774

مقدمه

احساس امنیت به عنوان زمینه و بستر قضاوت شهروندان از زوایای مختلف قابل بررسی است. در واقع احساس امنیت را می توان در سطح فردی، در حوزه روان شناسی و در سطح جمعی، در حوزه جامعه شناسی مورد تعمق قرارداد. احساس امنیت پدیده ای روان شناختی و دارای ابعاد گوناگونی است. این احساس ناشی از تجربه های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است، لذا به صورت های گوناگون آن را تجربه می کنند. از دیدگاه جامعه شناسی، احساس امنیت در واقع یک تولید اجتماعی است یعنی همه نهادهای اجتماعی در شکل گیری آن نقش ایفا می کنند. با این دید طبیعتاً همه ارکان جامعه از جمله مردم، حاکمیت، پلیس و... در تولید و ارتقای سطح آن نقش کلیدی و لاینفک دارند. برخی از مکاتب روان شناسی و جامعه شناسی، احساس امنیت را از راه عکس آن یعنی احساس ناامنی تعریف کرده اند. احساس ناامنی دارای حیطه های مختلفی است و بر حسب شرایط اجتماعی فرد به گونه های متفاوت نظیر ناامنی شغلی، جانی، قضایی و اقتصادی ظهور می کند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۵). امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می شود. در واقع، زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی دهد، می توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. این احساس امنیت از طریق ارگان های تأمین کننده امنیت، دولت، مدرسه، نظام اقتصادی، خانواده و شبکه دوستان تأمین می شود (نیازی و فرشادفر، ۱۳۹۰). براین اساس خانواده یکی از اساسی ترین نهادهای هر جامعه ای است که تمامی صاحب نظران در مورد آن اندیشیده اند و ریشه تمام نابهنجاری ها و کج روی ها را در خانواده جستجو کرده اند. اساس سعادت بشری زندگی خانوادگی است، چراکه حیات مبدأ خانوادگی، همسری زن و مرد است که اساس خانواده را تشکیل می دهند. خانواده پایه اساسی و سازنده مهم ترین ساخت اجتماعی است و وجود همه نظام های دیگر اجتماع بستگی به مشارکت در نظام خانوادگی دارد. رفتارهای ناشی از نقشی که در خانواده فراگرفته شده است، نمونه و سرمشق رفتار در سایر قسمت های جامعه خواهد بود (خسرور، ۱۳۹۲)؛ بنابراین افراد از سوی خانواده و در خانواده گام به عرصه هستی می نهند و جامعه نیز از تشکل افراد هستی قوام



می‌یابد و از آنجاکه نهاد خانواده، مولد نیروی انسانی و معبر سایر نهادهای اجتماعی است، از ارکان و نهادهای اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. بهنجاری یا نابهنجاری جامعه درگرو شرایط عمومی خانواده‌هاست و هیچ‌یک از آسیب‌های اجتماعی فارغ از تأثیر خانواده پدید نمی‌آید. به همین ترتیب نیز هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند مگر آن‌که از خانواده‌های سالم برخوردار باشد (حمیدی و همکاران، ۱۳۸۳)؛ بنابراین خانواده خود یکی از ارکان مهم آموزش و تأمین امنیت در جامعه است. فردی که در خانه خود در ناامنی به سر برده و آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم در زمینه ارتباط برقرار کردن با دیگران ندیده باشد، بعید به نظر می‌رسد بتواند رفتار سالم و موفقی را از خود بروز دهد و بالعکس (رحیمی خورشیدوند، ۱۳۸۸). براین منوال امنیت اجتماعی خانواده عبارت است از حفظ حریم زندگی خانوادگی از خطرات و تهدیدات، همچنین ارتقاء سطح زندگی خانوادگی با اتخاذ تدابیری در جهت کسب فرصت‌های زندگی. در اینجا خطرات و تهدیدات به کلیه مخاطراتی اطلاق می‌شود که در روابط گرم و محبت‌آمیز خانواده اختلال ایجاد نماید و احساس نزدیکی و همدلی میان آنان را از بین ببرد. در واقع، حراست و نگهداری از احساس مایی خانواده ریشه در حفظ روابط گرم، عاطفی و صمیمانه میان افراد دارد (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۸۶). به‌طورکلی محیط خانواده باید ایجادکننده احساس امنیت باشد در این محیط زنان با توجه به نقش خطیر مادری که بر عهده دارند بیش از سایر افراد باید این احساس را درک کنند. در صورتی که عدم احساس امنیت زنان در واقع به مفهوم تهدید ارزش نقش مادری، همسری و گاهی سرپرستی یک خانواده است و مصون ماندن از هر آسیب و تجاوزی که زن و حریم زنان را از لحاظ جسمی و روحی تهدید کند متعاقباً به نسل‌های بعدی منتقل خواهد شد؛ بنابراین زنان با توجه به روحیه انعطاف‌پذیر بودن بیشتر در معرض ناامنی قرار می‌گیرند. لذا هدف این پژوهش مطالعه احساس امنیت از دید زنان و درک این احساس در بین زنان در محیط خانواده است.

بیان مسئله

حیات انسان از بدو تولد، با محافظت و مراقبت تضمین و تأمین می‌گردد. چراکه بیماری‌ها، آسیب‌ها و خطرات محدود به دوران خاصی از زندگی نیستند و در تمام مراحل زندگی وجود

دارند، به همین دلیل نیاز به شرایطی بدون خطر و امن، یک نیاز دائمی است و پایانی برای آن نمی‌توان تصور کرد (سیدمیرزایی و همکاران، ۱۳۹۰). بدون شک هرگونه اختلال در امنیت و احساس امنیت و بروز شرایط نگرانی ناشی از موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و دغدغه‌ساز عینی و ذهنی در جامعه از یک سوء هزینه تعامل‌های اجتماعی را افزایش داده و از سوی دیگر با ایجاد اختلال در اعتماد اجتماعی و بروز بی‌تفاوتی فردی و اجتماعی، انسجام و یگانگی اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد (حسنوند و حسنوند، ۱۳۹۰: ۶۰). احساس ناامنی شرایط رنج‌آوری است که به اعتقاد بیشتر افراد جامعه، زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی را مختل می‌سازد، ارزش‌های عام را به خطر می‌اندازد و ضرورت اقدام احساس می‌شود؛ از طرف دیگر احساس ناامنی ممکن است به خاطر موقعیت خاص حاکم بر جامعه باشد و فرد به خاطر پاره‌ای از عوامل محل امنیت در یک جامعه احساس ناامنی کند (مکتوبیان و همکاران، ۱۳۹۴). براین اساس امروزه نگاه به مسائل و آسیب‌های امنیتی می‌تواند از زوایای گوناگونی صورت پذیرد که بخش عمده آن گریبان‌گیر زنان جامعه است که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. در واقع، با گسترش جوامع پدیده‌هایی اعم از افزایش تورم و هزینه‌های بالای زندگی، فقر، گرانی مسکن و عواملی نظیر آن، مسائل اجتماعی زنان و زمینه‌های ناهنجاری‌های اجتماعی آنان را فراهم می‌کند و این امر موجب احساس ناامنی در بین زنان می‌شود (جهانگیری و مساوات، ۱۳۹۲). زنان با توجه به موقعیت حساس و نقش‌هایی که برای تربیت فرزندان و نسل‌های آینده در هر جامعه دارند یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی و درعین حال جزء آسیب‌پذیرترین گروه‌ها در هر جامعه‌ای هستند. عدم احساس امنیت زنان به مفهوم تهدید ارزش نقش مادری، همسری و گاهی سرپرستی یک خانواده است و هرگونه آسیب و تجاوزی که زن و حریم زنانه او را از لحاظ جسمی و روحی تهدید کند، به‌طور طبیعی به نسل‌های بعدی منتقل خواهد شد و ویژگی‌های منفی از قبیل اضطراب شدید، بی‌اعتمادی، احساس ترس و بدبینی در جامعه گسترش خواهد یافت. احساس امنیت زنان تا بدان جا اهمیت دارد که بگوییم: دستیابی به ارزش‌ها و آرمان‌های والای جامعه و هرگونه فعالیت‌هایی که نیاز به بستری ایمن و مطمئن در سطوح مختلف جامعه داشته باشد، همه و همه در گرو امنیت زنان آن جامعه است.



به عبارت دیگر، امنیت زنان، در زمره اهداف، منافع و ارزش‌های اصولی و پایدار جامعه است (مستوفی، ۱۳۹۲). زنان به دلیل ویژگی‌های جسمی و روحی خاص خود نسبت به مردان احساس امنیت کمتری دارند. حس امنیت زنان تنها یک مقولهٔ مربوط به زنان نیست. احساس امنیت در زنان می‌تواند در ارتقای الگوی فعالیت‌های اجتماعی مؤثر باشد و مشارکتی بهتر را در صحنهٔ اجتماعی به وجود آورد (گلی و همکاران، ۱۳۹۴). به‌طورکلی، زنان بیشتر از مردان احساس ترس می‌کنند، اگرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی خشونت در محیط‌ها شوند. از دیدگاه استانکو^۱ ترس یا همان احساس ناامنی، در زنان سه برابر مردان است؛ ترسی که سبب شک در روابط اجتماعی می‌شود و کناره‌گیری زنان از عرصهٔ اجتماع را به دنبال دارد. استانکو معتقد است زنان همواره با ترس از دنیای بیرون جامعه‌پذیر می‌شوند (قدسی و همکاران، ۱۳۹۶). براین اساس یا توجه به اینکه مسائل، مشکلات و آسیب‌های جامعه در حال افزایش است و جامعه دستخوش پیامدهای نامطلوب آن است، افزایش ناامنی و آسیب‌پذیری در بین زنان باعث افزایش ترس و اضطراب می‌شود و این ترس و اضطراب مانع از انجام فعالیت‌های زنان در محیط خانواده می‌شود چراکه این ترس و ناامنی می‌تواند محیط خانواده را دچار چالش کند و حتی با توجه به نقش مادری که زنان دارند نسلی سرشار از ترس را روانه جامعه کند که به تبع آن جامعه دچار چالش‌های به‌مراتب بزرگ‌تری می‌شود. لذا با توجه به موقعیت حساس زنان و آسیب‌پذیری بیشتر آن‌ها نسبت به مردان باید در کانون توجه سیاست‌گذاران در حوزه امنیت قرار بگیرند و برای انجام نقش‌های خطیری که بر عهده آن‌ها است احساس امنیت آن‌ها باید تأمین شود و در واقع آن‌ها احساس امنیت داشته باشند؛ بنابراین اهمیت مسئله امنیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها به اندازه‌ای است که در صورت فقدان احساس امنیت، انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با دیگران دچار شک و تردید می‌شوند و از برقراری روابط اجتماعی با دیگران پرهیز می‌کنند و این ناامنی می‌تواند به محیط خانواده‌ها نیز منتقل شود؛ بنابراین با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایران و تغییراتی که با ورود مدرنیته به ایران در ساختار خانواده‌ها به وجود آمده است این مقاله کوشیده است با تأکید بر دیدگاه زنان در خصوص احساس امنیت در

^۱ - Stanko

محیط به این پرسش پاسخ دهد که درک زنان از احساس امنیت در محیط خانواده چگونه است و احساس ناامنی در محیط خانواده چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد.

پیشینه تحقیق و زمینه‌های نظری

کلیه تحقیقات و پژوهش‌های علمی بر پایه نتایج مطالعات پیشین استوار هستند و هر تحقیق باید با اتکا به تحقیقات و تجربیات پیش از خود شکل بگیرد. لذا با توجه به بررسی‌های به‌عمل‌آمده توسط محقق، پژوهشی که عیناً مشابه موضوع پژوهش مذکور باشد یافت نشد اما پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است که بیشتر با روش‌های کمی بوده است اگرچه چند پژوهش هم به روش کیفی انجام شده است ولی بیشتر این مسأله را در فضاها و مکان‌های عمومی در نظر گرفته‌اند و این پژوهش از این جهت که به بررسی احساس امنیت زنان در فضای خانواده پرداخته از سایر تحقیقات پیشین متمایز می‌شود.

اباذری و همکاران (۱۳۸۷) در یک مطالعه کیفی با عنوان احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره در بین زنان انجام داده‌اند آن‌ها نشان دادند که اگرچه ممکن است فضاهای شهری مخاطرات گوناگونی را برای اقشار اجتماعی مختلف ایجاد کند، اما به نظر می‌رسد زنان به دلیل داشتن بدن زنانه‌ای که می‌تواند از سوی مردان با خطراتی چون تجاوز و اعمال خشونت مواجه شود، تجربه ویژه‌ای از احساس ناامنی از زندگی در فضای شهری را تجربه می‌کنند و این تجربه در میان گروه‌های مختلف زنان و در طبقات اجتماعی مختلف، دارای برخی ویژگی‌های مشابه است. بنابراین احساس دائمی ناامنی برای زنان در فضای عمومی جامعه، احساسی ناخوشایند، دردناک و تحقیرآمیز است که هم مؤید و هم تشدیدکننده نابرابری‌های اجتماعی‌ای است که در روابط میان زنان و مردان وجود دارد.

صادقی فسایی و لاریجانی (۱۳۹۲) در یک مطالعه کیفی با عنوان آزار جنسی در محیط کار تهدیدی بر امنیت اجتماعی با ۸۲ نفر از زنان ۲۱ تا ۳۷ ساله شهر تهران انجام دادند که نتایج آن‌ها نشان می‌دهد، قربانیان آزار جنسی عمدتاً زنان جوان و تحت سلطه‌ای هستند که از سوی رؤسا و مردان دارای قدرت و منزلت بالاتر مورد آزار جنسی واقع می‌شوند. آنان عمدتاً در بخش‌های خصوصی فاقد نظارت و کنترل مورد آزار واقع شده‌اند. حضور پلیس



زن و حمایت از زنان شاغل و اصلاح رویه‌های شکایات قانونی می‌تواند گام‌های مهمی برای کاهش آزار جنسی و ایجاد امنیت در محیط کار باشد.

قادرزاده و خزایی (۱۳۹۳) در یک مطالعه کیفی با عنوان دلالت‌های معنایی احساس ناامنی زنان در فضاهای عمومی انجام دادند که نتایج آن‌ها نشان داد که آزار جنسی، ترس از بدنامی و جامعه‌پذیری جنسیتی به منزله شرایط علی احساس ناامنی زنان را در فضاهای عمومی به دنبال دارد. بازسازی معنایی تجربه و درک زنان از احساس ناامنی در فضاهای عمومی بیانگر آن است که مشارکت‌کنندگان با قرار گرفتن در شرایط یادشده به استراتژی‌های کتمان و گریز توسل می‌جویند. براین اساس ناامنی در فضاهای عمومی، بی‌اعتمادی، نهادینه شدن ترس و انزوای اجتماعی را برای زنان در پی دارد.

رحیمی و صبوری (۱۳۹۷) در یک پژوهش با عنوان امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری و بررسی عوامل فیزیکی مؤثر بر آن نمونه موردی: پارک ائل گلی تبریز انجام دادند که نتایج آن‌ها نشان داد که احساس امنیت زنان شرکت‌کننده در نقاط مختلف پارک متفاوت است؛ بیش‌ترین عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان ناشی از سه معیار کالبدی، فعالیتی و آسایش بصری و محیطی است. از میان چهار مکان مشخص شده در نقشه شماتیکی پارک، مکان پیاده‌روی اطراف استخر در نظر زنان از بیش‌ترین احساس امنیت برخوردار است.

گانت و بنیامین (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان ناامنی شغلی، استرس و جنسیت و رابطه این متغیرها باهم پرداختند که نتایج آن‌ها نشان داد که ایدئولوژی جنسی کارمندان، اثر جنس بر ناامنی و استرس شغلی را تعدیل می‌کند. همچنین ناامنی شغلی در زنان بیشتر از مردان است ولی در مردان و زنان برتری طلب شباهت‌هایی از احساس ناامنی شغلی دیده می‌شود. گروبر و فاینران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان جوانان کار: کارمندان نوجوان و آزار جنسی، به بررسی آزار جنسی دختران دبیرستانی در محیط کار پرداختند. آن‌ها تأثیر آزار جنسی و ناامنی جنسی را بر محیط کار، سلامتی و نتایج تحصیلی موردسنجش قراردادند و مقیاس تجربه آزار جنسی را برای دو گروه زنان و دختران آزاردیده مقایسه کردند. نتایج نشان داد که درصد آزار دختران بیشتر از زنان است و دختران رضایت کمتری از کار و سرپرستان کاری خود داشتند.

ویور (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان تأثیر رابطه حمایت اجتماعی اطرافیان با میزان احساس امنیت اجتماعی انجام داد. نتایج نشان داد که حمایت اجتماعی با احساس امنیت زنان در رابطه است و زنانی که در خانواده خود مورد توجه همسر و حتی فرزندان خود هستند، احساس آرامش و امنیت بیشتری دارند و با شادی و نشاط بیشتر کارهای روزمره خود را پیگیری می‌نمایند.

گیلو (۲۰۱۶) در یک مطالعه کیفی با عنوان مسافرت در بروکسل و احساس ناامنی: ادراک و استراتژی زنان بر اساس مصاحبه نیمه ساخت یافته با ده نفر از زنان انجام دادند نتایج آن‌ها نشان داد که زنان در مسافرت‌ها و سفرهایشان بیشتر از مردان احساس ناامنی دارند و این خود می‌تواند به بازتابی برای درونی سازی تمایزهای اجتماعی میان مردان و زنان و نحوه اثرات محیط بر افراد می‌شود.

پژوهش‌های داخلی و خارجی زیادی در رابطه با احساس امنیت صورت گرفته است. بررسی پژوهش‌های انجام شده در ایران نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها با روش کمی انجام شده است و محققان با پیش فرض‌های نظری از پیش مشخص وارد میدان شده‌اند و نتایج به دست آمده توسط پژوهش‌های آنان چندان ابعاد تازه‌ای از موضوع را نمایان نکرده است، به طوری که بیشتر تحقیقات در سطح کمی و با روش‌های استنباطی انجام شده‌اند و بیشتر به روابط علت و معلولی پرداخته‌اند. از طرفی تحقیقات انجام شده با روش کیفی اگرچه به نسبت تحقیقات کمی سهم کمتری را شامل می‌شوند؛ اما ویژگی عمده این چنین تحقیقات پی بردن به عمق ماجرا است این به معنی سرکوب تحقیقات کمی نیست و این تحقیقات نیز کاربرد خودشان را دارند و می‌تواند مفید باشند؛ اما بررسی تحقیقات خارجی نشان‌دهنده تنوع بیشتری در روش‌شناسی است ولی باز تحقیقات کیفی سهم اندکی در این بین دارند. لذا این پژوهش از دو جهت با تحقیقات پیشین متفاوت است از یک جنبه به علت بررسی کیفی پدیده احساس امنیت در بین زنان و از جنبه دیگر به این علت که به بررسی احساس امنیت در محیط خانواده پرداخته است.



رویکرد نظری

رویکردهای متفاوتی برای بررسی پدیده‌های اجتماعی وجود دارند که در قالب رویکردهای اثبات‌گرا، رویکردهای انتقادی و رویکردهای تفسیری طبقه‌بندی شده‌اند. از این لحاظ که تحقیق حاضر سعی در شناخت مفاهیم ذهنی احساس امنیت زنان در محیط خانواده دارد، رویکرد پژوهش حاضر تفسیرگرایی است. پارادیم تفسیری هدف علوم اجتماعی را درک پدیده‌ها از منظره سازندگان آن، معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، پیروان این نظریه بر این باورند که هدف علوم انسانی، فهم کنش انسانی در بافت اجتماعی آن است (یاوری بافقی، ۱۳۹۰). بر اساس این رویکرد، انسان موجودی خلاق، فعال و باز اندیش است و جهان اجتماعی محصول کنش‌های معنادار و آگاهانه کنشگران است؛ یعنی انسان با بیرونی سازی خود جهان را می‌سازد؛ به عبارت دقیق‌تر، جهان نهادی چیزی نیست جز فعالیت انسانی عینیت یافته. از آنجاکه منبع و مرجع نهایی هرگونه ساخت‌وساز و تغییر در واقعیت‌های اجتماعی همان انسان است، درک انسان‌ها از واقعیت، تغییر در واقعیت‌ها و چگونگی معنادار کردن آن‌ها بسیار مهم است و با توجه به اینکه واقعیت‌های اجتماعی، به مثابه امور برساخته انسانی، فاقد قوانین از پیش تعیین شده‌اند و دائماً در حال «شدن» هستند، نمی‌توان الگویی جهان‌شمول و عام برای واقعیت‌های اجتماعی و نیز تغییر و دست‌کاری در آن‌ها وضع کرد. این واقعیت‌ها، نه تنها قابل کشف و کنترل نیستند، بلکه صرفاً می‌توانند درک و تفسیر شوند (سراج زاده و همکاران، ۱۳۹۶). لذا با توجه به موقعیت حساس زنان در جامعه ایران و تأثیر جنسیت در بسیاری از مسائل از رویکردهای کیفی و نظریه زمینه‌ای برای درک زنان از احساس امنیت در شهرستان کرج و در واقع ورود به جهان ذهنی کنشگران برای درک شرایط آن‌ها در محیط خانواده پرداخته‌ایم. در پژوهش‌های کیفی مانند سایر روش‌های تحقیق، بر ماهیت فعال انسان تأکید می‌شود. وقتی محقق انسان را کنشگری فعال و هوشیار بداند که قادر است برساخت‌های اجتماعی بیرونی و نیز حالات ذهنی و درونی خود مسلط شود و اعتقاد داشته باشد دنیای اجتماعی و همچنین ساختارهای اجتماعی از طریق کنش انسانی شکل می‌گیرد، در نتیجه به فرایندهای ذهنی-اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم محوری می‌نگرد. چنین دیدگاهی برای نگرش افرادی که مورد تحقیق قرار می‌گیرند ارزش خاصی قائل

می‌شود. به همین دلیل محقق می‌کوشد تا با ایجاد رابطه‌ای متقابل و باحوصله تمام، لایه‌های سطحی و تصنعی را از روی رفتارهای گفتاری و غیر گفتاری آن‌ها کنار بزند و دریابد که واقعاً چگونه می‌اندیشند و به این ترتیب ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز در همین راستا معین می‌گردد (ذکایی، ۱۳۸۱: ۴۳). در پژوهش‌های کیفی، پژوهشگر از طریق روش‌ها و رویه‌های تفسیر، از نظر مشارکت‌کنندگان و در بستر نهادی و اجتماعی خاص آن‌ها به درک پدیده‌ها نائل می‌شود. تحقیق کیفی به جای اندازه‌گیری و ارزیابی پدیده‌ها بامعنای آن‌ها سروکار دارد. در پژوهش‌های کیفی داده‌ها نه به صورت عدد و رقم، بلکه به شکل واژگان و جملات هستند. نظریه‌پردازی داده بنیاد نوعی روش کیفی است که هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است (استروس و کوربین، ۱۹۹۰ به نقل از پورعابدی، ۱۳۹۵)؛ بنابراین در تحقیقات کیفی تفسیرگرایانه، نظریات موجود جایگاه خاص خود را دارند. به عبارتی روش نظریه زمینه‌ای برخلاف تحقیقات کمی که روالشان عموماً نظریه‌آزمایی است، به نظریه‌پردازی و یا بسط و توسعه نظریات پیشین می‌انجامد؛ اما نه به این معنا که در این روش از نظریاتی که موجود هستند هیچ استفاده‌ای نخواهد شد. در یک معنا نظریه‌ها می‌توانند راهنمای عمومی پژوهش‌های کیفی باشند و در باز شدن ذهن محقق، توجه به نکات، روندها و ابعاد محوری میدان مطالعه، ارائه چارچوب مفهومی جهت طرح سؤال‌های عمده نقش اساسی ایفا کند؛ که در اینجا به طور خلاصه به رویکرد آسیب‌پذیری، جامعه‌پذیری جنسیت و نظریه مازلو اشاره می‌کنیم.

رویکرد آسیب‌پذیری

در رویکرد آسیب‌پذیری، جنسیت بیشترین قابلیت را برای توضیح و پیش‌بینی احساس ناامنی دارد. مطالعات بسیاری رابطه‌ی بین این دو پدیده را تأیید کرده‌اند و نشان داده‌اند که معمولاً زن‌ها پیش‌تر از مردها احساس ناامنی را گزارش می‌کنند (مانند مطالعاتی که توسط لین و میکر^۱ انجام شده است). هرچند که مطالعات معدودی نیز نشان داده‌اند رابطه مهمی بین دو پدیده‌ی مورد نظر وجود ندارد، بسیاری از مطالعات یادشده به دنبال پاسخ‌گویی به

^۱ Lane & Meeker, 2000



این پرسش بوده‌اند که چرا زن‌ها بیش از مردها ابراز ترس می‌کنند و حال آن‌که مطابق آمارهای رسمی مربوط به امنیت و جرم و هم‌چنین «پیمایش‌های بزه دیدگی^۱»، زنان کمتر از مردها با خطرات ناشی از جرم و ناامنی روبرو هستند. محققین، این پدیده را «پارادوکس ترس از جرم^۲» نامیده‌اند (ذاکری همامنه، ۱۳۹۰). در چارچوب این نظریه فرض می‌شود علت اساسی احساس ناامنی و ترس بیشتر در بین زنان، ساختار فیزیکی آنان است. زنان به لحاظ ساختار جسمی ضعیف‌تر از مردان هستند و به‌ویژه در شرایط عادت ماهانه یا دوران بارداری، از حداقل قدرت و توان فیزیکی برخوردارند. این امر باعث می‌شود آنان قادر نباشند به خوبی از خودشان دفاع کنند و در نتیجه، همواره احساس ترس و ناامنی بیشتری نسبت به مردان دارند (وار، ۱۹۸۴؛ یانگ، ۱۹۹۲، فیشر و واسلوان، ۲۰۰۳ به نقل از احمدی و حیدری، ۱۳۹۳).

رویکرد جامعه‌پذیری جنسیت

آشکارترین شیوه‌ای که از طریق آن، فرهنگ جامعه در ایجاد تفاوت‌های رفتار مردان و زنان نقش ایفاء می‌کند. جامعه‌پذیری فرآیندی است که انسان‌ها از طریق آن شیوه‌های زندگی را می‌آموزند و شخصیت ویژه‌ای کسب می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که آمادگی عملکرد و رفتار در جامعه به‌عنوان یک عضو را پیدا می‌کنند (حسین زاده و همکاران، ۱۳۹۳). برخی پژوهشگران احساس ناامنی و ترس بیشتر زنان را بر اساس فرآیند متفاوت جامعه‌پذیری پسران و دختران تبیین می‌کنند (احمدی و حیدری، ۱۳۹۳). جامعه‌پذیری جنسیتی از خانواده شروع می‌شود و با عوامل دیگری چون، نظام آموزشی، رسانه‌ها و گروه همسالان بسط می‌یابد. خانواده از ابتدایی‌ترین و قوی‌ترین عامل اجتماعی کردن فرزندان است که با بیان هنجارها و کلیشه‌های جنسیتی به فرزندان، آن‌ها را مطابق با همان کلیشه‌ها و هنجارهای جنسیتی پرورش می‌دهد که برحسب آن، کار خانه و بچه‌داری عمدتاً جزو وظایف زنان است (مکتوبیان و همکاران، ۱۳۹۴)؛ بنابراین در فرآیند جامعه‌پذیری که به‌وسیله کارگزاران اجتماعی مانند خانواده، مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و گروه دوستان

¹ Victimization Surveys

² Fear Of Crime Paradox

محقق می‌شود، معمولاً از زنان انتظار می‌رود مطیع، منظم، عاطفی و محتاط باشند و در نقطه مقابل از پسران انتظار می‌رود فعال، رقابت‌جو، نترس و متهور باشند (احمدی و حیدری، ۱۳۹۳).

رویکرد کنش متقابل نمادین^۱

بر اساس مکتب کنش متقابل نمادین، به منظور ادراک حوزه معنایی امنیت و فهم طیفی از مفاهیمی که در اطراف خود ایجاد نموده است نیازمند آگاهی از جریان تأویل و تفسیری هستیم که در فرایند کنش متقابل اجتماعی رخ می‌دهد. امنیت، توانایی حفظ شرایطی است که هر فرد در آن با آگاهی و تفسیرگری دخالت کرده و با توجه به کنش دیگران و تفسیر خویش، کنش خویش را آگاهانه می‌سازد. حال، از آنجاکه این نوع کنش که فرد به مدد قوه تفسیر، رفتار خویش را در برابر دیگران شکل می‌دهد یا سلوک خود را در برابر دیگران یا موقعیت اجتماعی خود را می‌سازد، مبتنی برکنش درونی خود و خود خویش است، امنیت را می‌توان معطوف به شرایطی دانست که «خود» فرد یا افراد، گروه‌ها یا سازمان‌ها حفظ و مصون گردند، یعنی امنیت را امکان محافظت و نگهداری از «خود» دانست و یا امنیت را توانایی حفظ و بقای «خود» در نظر گرفت؛ بنابراین در مکتب کنش متقابل نمادی، امنیت در هر سطحی (ملی، اجتماعی، فردی) به حفظ «خود» یا همان هویت (هویت ملی، هویت اجتماعی، هویت فردی) نظر دارد؛ یعنی شرایطی که حضور هویت جمعی را در کنش‌های متقابل امکان‌پذیر نماید و طرفین را از واکنش‌های غیراجتماعی برهاند (شایگان و رستمی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین مکتب کنش متقابل نمادی امنیت را با تفسیر ذهنی (احساس امنیت) افراد از شرایط حاکم بر جامعه که از یک سو بر رفتار افراد چارچوب مشخص سازد و از سوی دیگر به نوعی تحت تأثیر کنش افراد بر ساخته می‌شود، بنا می‌کند. در این تعامل متقابل است که بنیان‌های نظم و امنیت که بر رفتار اجتماعی افراد استوار است ساخته می‌شود و تداوم می‌یابد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳).

براین اساس احساس امنیت پیش‌نیاز هرگونه توسعه‌ای در جوامع است و آگاهی از میزان احساس امنیت می‌تواند راهنمایی برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق‌تری برای متولیان

^۱ Symbolic reciprocal action Approach



و سیاست‌گذاران باشد در این میان زنان با توجه به شرایط حساسی که دارند شناخت مسائل آنها مهم‌تر است لذا در پژوهش حاضر احساس امنیت به معنی احساس آرامش روحی و روانی و در واقع نبود ترس و دلهره و احساس ایمنی از هرگونه تهدیدی در محیط خانواده برای زنان است.

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق حاضر، درک زنان از احساس امنیت در محیط خانواده است.

❖ زنان در محیط خانواده چقدر احساس امنیت می‌کنند

❖ عدم امنیت در خانه و خانواده چه پیامدهایی دارد

❖ چه چیزهایی باعث امنیت در خانواده می‌شود

برای درک احساس امنیت زن در محیط خانواده، سؤالاتی مطرح شده که با تحقیق میدانی و در طی مصاحبه با مصاحبه‌شوندگان، پرسیده شد. از آنجاکه این پژوهش، بر اساس روش کیفی انجام گرفته است، به جای طرح فرضیات، سؤالات باز مطرح خواهند شد که فضای مفهومی کلی پژوهش را مشخص می‌کنند. سؤالات مطرح شده به شرح زیر می‌باشند:

❖ به نظر شما چقدر زن‌ها در جامعه ما در محیط خانواده احساس امنیت دارند؟

❖ تا به حال شده در محیط خانواده خود احساس ناامنی یا عدم امنیت بکنید؟ چرا؟

❖ به نظر شما چه چیزهایی باعث می‌شود زن‌ها در محیط خانواده بیشتر احساس امنیت

کنند؟

❖ چه چیزهایی امنیت زنان در خانواده را به خطر می‌اندازد؟

❖ خود شما برای به دست آوردن امنیت در محیط خانه چه کارهایی کرده‌اید؟

❖ واکنش شما در مقابل عدم امنیت در خانواده چیست؟

❖ عدم امنیت در خانه و خانواده برای زنان چه پیامدهایی به دنبال دارد؟ یا اگر زن‌ها در

محیط خانواده احساس امنیت نداشته باشند چه اتفاقی می‌افتد و باعث چه چیزی

می‌شود؟

❖ اگر زنان در محیط خانواده احساس امنیت داشته باشند چه پیامدهایی به دنبال دارد؟

روش‌شناسی

بر طبق مبانی پارادایم تفسیرگرایی، آدمی کنشگری فعال است و بر مبنای تعریفی که از پدیده‌های خاص دارد با آن برخورد و کنش خود را تنظیم می‌کند. از آنجاکه در پژوهش حاضر دیدگاه‌ها و تعاریف ذهنی زنان در مورد احساس امنیت بررسی می‌شود و کنش‌های آن‌ها طبق همان الگوهای ذهنی شکل می‌گیرد بهترین روش برای بررسی این موارد استفاده از نظریه زمینه‌ای است. این راهبرد، روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطحی گسترده به تبیین فرایند، کنش یا کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص می‌پردازد (نجفی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ بنابراین بر اساس نظر استراوس و کوربین^۱ نظریه‌مبنایی عبارت است از آنچه که به‌طور استقرایی از مطالعه پدیده‌ای به دست آید و نمایانگر آن پدیده است. رویه نظریه‌مبنایی یک روش تحقیق کیفی است که یک سلسله رویه‌های سیستماتیک را به کار می‌گیرد تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرا درباره پدیده‌ای ایجاد کند (استروس و کوربین، ۲۰۱۱: ۲۲). لذا روش پژوهش حاضر مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی روش کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای بود که این پژوهش در سال ۱۳۹۶-۱۳۹۵ در شهر کرج انجام شده و داده‌ها در یک بازه ۴۰ روزه گردآوری شده‌اند.

میدان پژوهش، شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

میدان مطالعه در این پژوهش کلیه زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در شهر کرج است. شهر کرج مرکز استان البرز است. شهر کرج که از پیوستن محدوده‌های سه شهرداری کرج، مهرشهر و رجایی شهر و افزودن مناطق فردیس و میان جاده به آن شکل گرفته و به‌عنوان دومین شهر بزرگ و پرجمعیت استان پس از تهران و هم‌اکنون پرجمعیت‌ترین شهر استان البرز، سریع‌ترین آهنگ رشد را در استان داشته و حتی باعث به وجود آمدن کانون‌های جمعیتی متعددی در حوزه استحفاظی خود، مانند کمال شهر، ماهدشت، محمدشهر و مشکین‌دشت و سکونتگاه‌های دیگر شده است تا جایی که امروزه می‌توان آن را کلان‌شهری بزرگ با جمعیتی بیش از ۱/۳ میلیون نفر و وسعتی فراتر از ۱۶۰ کیلومتر مربع تصویر کرد. انتخاب شهر کرج به این دلیل بوده که این شهر با توجه به اینکه در حاشیه شهر تهران

^۱ Strauss and Corbin



قرارگرفته یکی از مهم‌ترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می‌شود. لذا با توجه به اینکه وضعیت زندگی تا حدودی در این شهر با توجه به مهاجرپذیری گسترده‌ای که دارد متفاوت است؛ بنابراین شناخت مسائل و مشکلات و ازجمله مسائل زنان می‌تواند به متولیان و برنامه ریزان برای داشتن شهری زیبا کمک کند.

شیوه نمونه‌گیری: در روش نظریه زمینه‌ای از دو نوع نمونه‌گیری به‌طور هم‌زمان استفاده می‌شود. این دو نوع نمونه‌گیری عبارت‌اند از: نمونه‌گیری هدفمند و نمونه‌گیری نظری. از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های موردنیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود؛ که به شرح مختصری از این دو شیوه پرداخته می‌شود. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، محقق کیفی با افرادی گفتگو می‌کند که در زمینه موضوع تحت مطالعه یا جنبه‌هایی از آن دارای اطلاعات و شناخت مناسب و نسبتاً کافی باشند. این افراد را اصطلاحاً مطلعین یا دروازه‌بان می‌خوانند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۹۱-۸۹). در این روش حجم نمونه به اشباع نظری بستگی دارد یعنی اینکه محقق مصاحبه‌ها را تا جایی ادامه می‌دهد که دیگر داده جدیدی به دست نمی‌آید.

در پژوهش‌های کیفی از نوع نظریه زمینه‌ای در ابتدا تعداد و حجم نمونه نامشخص است، زیرا حجم نمونه در میدان مشخص می‌شود و بستگی به سطح اشباع‌پذیری داده‌ها دارد. در این پژوهش نمونه‌گیری و افزودن بر اطلاعات زمانی پایان یافت که اشباع داده‌ها حاصل شد؛ یعنی دیگر داده جدیدی به دست نیامد. براین اساس پژوهش مذکور با ۱۵ مورد مصاحبه به اشباع رسید؛ بنابراین حجم نمونه شامل ۱۵ نفر از زنانی بودند که در شهر کرج سکونت داشته و درکی از موضوع مورد مطالعه داشتند. مدت‌زمان هر مصاحبه نیز به‌طور متوسط ۶۰ دقیقه به طول انجامید.

جدول ۱. مشخصات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	میزان تحصیلات	شغل
۱	۳۴	لیسانس	معلم
۲	۲۱	دیپلم	آزاد
۳	۴۹	لیسانس	فرهنگی
۴	۲۸	فوق دیپلم	خانه‌دار

خانهدار	لیسانس	۳۲	۵
آرایشگر	فوق لیسانس	۳۴	۶
مدرس دانشگاه	دکتری	۳۸	۷
خانهدار	دیپلم	۲۰	۸
خانهدار	لیسانس	۲۴	۹
کارمند	لیسانس	۳۹	۱۰
منشی	لیسانس	۲۶	۱۱
خانهدار	زیر دیپلم	۴۳	۱۲
کارمند	فوق لیسانس	۲۹	۱۳
خانهدار	فوق دیپلم	۳۵	۱۴
خانهدار	فوق دیپلم	۳۲	۱۵

گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات به مراکز مشاوره مراجعه و بعد از رضایت پاسخگویان با استفاده از مصاحبه عمیق داده‌ها جمع‌آوری شدند. به این ترتیب که وقتی با اولین نفر مصاحبه می‌شد داده‌ها تحلیل می‌شدند و در مرحله بعد دوباره به سراغ افراد دیگری برای مصاحبه رفته تا از این طریق داده‌ها به اشباع رسید.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بلافاصله بعد از انجام مصاحبه تحلیل می‌شدند و بر اساس رهنمودهایی که تحلیل داده‌ها برای محقق داشت محقق دوباره وارد میدان می‌شد تا اینکه داده‌ها به اشباع رسیدند و در واقع داده جدیدی کشف نشد. لذا بر اساس طرح نظام‌مند نظریه داده بنیاد، برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده باید سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی سپری می‌شد تا در نهایت، پارادایمی منطقی یا تصویری عینی از نظریه خلق شده ارائه گردد. از آنجاکه پایه‌های اصلی ساختن نظریه مفاهیم هستند، لازم است سازوکاری تعبیه شود تا مفاهیم شناسایی و برحسب خصوصیات و ابعادشان بسط داده شوند. این سازوکار در نظریه داده بنیاد در کدگذاری باز انجام می‌شود؛ به طوری که از دل داده‌های خام اولیه، مقوله‌های مقدماتی در ارتباط با پدیده مورد بررسی از طریق سؤال کردن درباره داده‌ها، مقایسه موارد، رویدادها و دیگر حالات پدیده‌ها، برای کسب شباهت‌ها و تفاوت‌ها استخراج می‌شوند (استروس و کوربین، ۱۹۹۸ به نقل از نجفی و همکاران، ۱۳۹۵). بر این اساس و بر پایه اصول نظریه زمینه‌ای در مرحله اول از کدگذاری باز استفاده



شد به این صورت که متن مصاحبه‌ها به بخش‌های مجزا خرد شدند و مفاهیمی از این طریق استخراج شدند که در این مرحله ۴۰ مفهوم بر اساس داده‌ها استخراج شدند. مرحله دوم کدگذاری، کدگذاری محوری است. کدگذاری محوری، فرآیند ربط دهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. در این مرحله مفاهیم با توجه به ارتباطاتی که به هم دارند در قالب مقوله‌هایی در کنار هم قرار می‌گیرند در این مرحله مقولات بر اساس شرایطی بودن، تعاملی بودن و پیامدی مرتب و سازمان‌دهی شدند و ارتباطی منطقی بین آن‌ها برقرار شد.

در مرحله آخر، رمزگذاری گزینشی مقوله‌ها باهم ادغام شدند و یک تجزیه و تحلیل کلی بر روی داده‌ها انجام شده است. در این مرحله بر اساس مقولات ایجادشده یک مقوله به‌عنوان مقوله هسته انتخاب شد. براین اساس این مرحله که در واقع مرحله شکل‌گیری نظریه است همه مقولات در قالب مدل زمینه‌ای به‌صورت منظم به تصویر کشیده شده‌اند بنابراین مدل زمینه‌ای که طراحی شده است شرایط ایجاد یک پدیده، تعاملات و پیامدهای آن را به تصویر می‌کشد.

یافته‌ها

در این بخش، نتایج تحلیل داده‌ها بر اساس مراحل سه‌گانه کدگذاری ارائه می‌شوند. تحلیل داده‌ها به روش خرد و سطر به سطر انجام شده است. پس از بررسی مفاهیم به وجود آمده از گزاره‌ها، ۷ مقوله از مصاحبه‌ها استخراج شد. پس از انتخاب مقوله‌های مذکور با تعمق در مفاهیم و مقوله‌های یک مقوله هسته به نام «درون سازگی و برون سازگی احساس امنیت زنان» حاصل شد که جدول شماره ۲ نتایج تحلیل داده‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نتایج مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و گزینشی

نوع مقوله	مفاهیم	مقوله‌ها	مقوله هسته
مقولات شرایطی	عدم آرامش، تضاد امنیت در خانواده و جامعه، دوطرفه بودن امنیت، اعتیاد همسر، بدحجابی در جامعه	کمبود امنیت	احساس امنیت به‌مثابه درون سازگی و برون سازگی
	مشارکت در خانه، انجام وظایف، همکاری و وفاداری	مسئولیت‌پذیری	

وضعیت اقتصادی	عدم استقلال مالی اکثر زنان، وضعیت نامناسب اقتصادی
رسانه‌های جمعی	نقش ماهواره، وجود شبکه‌های مجازی، ورود باورهای غربی
تحدید روابط	عدم رفت‌وآمد با غریبه، رفت‌وآمد با فامیل
فرافکنی شادی و ملزومات کنشی آن	پوشش زن در بیرون از خانه، شادی و نشاط، زیبایی زندگی، محیط آرام و شاد، اعتماد به نفس، رضایت از زندگی، صمیمیت، استحکام خانواده، صداقت، احترام گذاشتن به همدیگر
تزلزل بنیان هنجاری و ارزشی	بی‌بندوباری، فحشا و بزهکاری، ناپسامانی خانواده، گرایش به بیرون از محیط خانه، بد اخلاقی، عدم اعتماد، عدم رضایت از زندگی، عدم آرامش، جدایی از همسر، عدم مسئولیت، انزوای اجتماعی، بی‌تفاوتی در جامعه،
	مقولات تعاملی
	مقولات پیامدی

زمینه‌های احساس امنیت زنان در محیط خانواده

۱ - کمبود امنیت در جامعه

احساس امنیت نقش خطیری در هر جامعه‌ای دارد به‌خصوص زمانی که این پدیده را در ارتباط با زنان در نظر بگیریم و در پی شناخت و درک و تفسیر زنان از این احساس باشیم نقش مهم‌تری پیدا می‌کند چراکه زنان به‌عنوان مادران و آموزگاران در پذیرش نقش‌ها در جامعه نقش ویژه‌ای دارند و اگر احساس ترس و ناامنی داشته باشند نسلی مضطرب و دائم پریشان را وارد جامعه می‌کنند و جامعه نیز دچار تزلزل می‌شود و کارکردهایش را نمی‌تواند انجام دهد؛ بنابراین جامعه باید زمینه‌های امنیت را فراهم کند چراکه افراد تحت تأثیر جامعه احساساتشان در محیط خانواده نیز شکل می‌گیرد و می‌تواند حتی در خصوصی‌ترین مکان زندگی مشکلاتی ایجاد کند. به‌گونه‌ای که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به این امر اشاره داشته‌اند و به‌نوعی از کمبود امنیت و حتی احساس امنیت در حتی محیط خانواده نیز صحبت کرده‌اند که در ذیل گزیده‌ای از مصاحبه‌های انجام‌شده با زنان نشان‌دهنده احساس امنیت کمی حتی در محیط خانواده است.



یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

بستگی به محیط خانواده داره مسلماً تو جامعه ما و حتی خانواده‌ها همه احساس آرامش ندارن و این شرایط جامعه خودش میتونه ناامنی را به درون خانواده‌ها هم بکشونه. برای مثال وضعیت حجاب در جامعه میتونه مردان را وسوسه کنه و پای زن دیگه را به زندگی باز کنه و اینها دائماً از لحاظ روانی داره اذیتم میکنه. پس این اتفاقا رو که آدم میبینه خیلی سخته و احساس می‌کنم صد درصد امنیت ندارم حتی در محیط خانواده [مرضیه، ۲۴ ساله]

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این باره گفت:

به نظر من احساس امنیت در جامعه یک امر نسبی است و می‌تونیم یه جور دیگه هم قضاوت کنیم مثلاً وقتی امنیت را شامل قسمت‌های مختلفی بدونیم، بهتر میشه گفت که امنیت داریم یا نه. اگه بخوام به‌طور کلی بگم نوعی ترس تو وجودم هست چراکه شرایط جامعه طوری شده که هرروز دچار استرس و تنش هستیم و خیلی باید ماهرانه عمل کنیم به‌خصوص برای ما زنا وضعیت خیلی سخت تره [مریم، ۲۶ ساله]

از متن مصاحبه‌ها می‌توان به این پی برد که احساس امنیت چقدر می‌تواند در یک جامعه مهم باشد به‌گونه‌ای که اکثر مصاحبه‌شوندگان هدف اصلی خانواده را رسیدن به احساس آرامش می‌دانستند و در واقع برای ادامه زندگی احساس امنیت را امری ضروری می‌دانستند؛ اما معتقد بودند که نبود احساس امنیت در جامعه تا حدود زیادی می‌تواند جامعه را نیز دچار آسیب‌های اجتماعی متفاوتی کند و به‌تبع آن این آسیب‌ها وارد محیط خانواده‌ها نیز می‌شود. به‌گونه‌ای که بیشتر مصاحبه‌کنندگان بر این امر واقف بودند که آسیب‌های موجود در جامعه می‌تواند حتی احساس امنیت در محیط خانواده را نیز دچار آسیب کند و این محیط که به‌عنوان یکی از کانون‌های اساسی احساس امنیت و آرامش بین مرد و زن است را به حاشیه برد و باعث شود که افراد نتوانند به‌درستی وظایف خود را انجام دهند؛ بنابراین کمبود امنیت بیش از هر چیزی می‌تواند بنیان خانواده‌ها را از هم بپاشد و منجر به آسیب‌های اجتماعی بیشتری برای جامعه شود.

۲- مسئولیت‌پذیری مرد

برای دستیابی به احساس امنیت در بین زنان آن‌ها به مواردی اشاره کرده‌اند که می‌توان در قالب مسئولیت‌پذیری آن را مطرح کرد اکثر پاسخگویان معتقد بودند که مسئولیت‌پذیری مردان به نوعی می‌تواند احساس آرامش را برای زنان ایجاد کند اگرچه آن را عامل اصلی احساس امنیت نمی‌دانند ولی معتقدند که می‌تواند یکی از دلایل احساس امنیت در محیط خانواده باشد یعنی اینکه مردان بتوانند وظایفی که به آن‌ها محول شود را به درستی انجام دهند در محیط خانواده با همسرش مشورت کند و با تلاش بتواند در محیط خانواده وظایفش را انجام دهد به تبع آن زنان نیز دچار نوعی آرامش ذهنی می‌شوند و می‌توانند محیط خانواده را شاد نگه‌داشته به گونه‌ای که این آرامش برای همه افراد ایجاد شود و نه تنها زنان در محیط خانواده به آرامش برسند بلکه با انجام دقیق و صحیح مسئولیت‌ها همه افراد در محیط خانواده احساس آرامش دارند. در این باره به تعدادی از مصاحبه‌ها در ذیل اشاره می‌شود.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

به نظر من تعهد و اظهار وفاداری مرد می‌تونه امنیت را به وجود بیاره، اینکه در سختی‌ها حمایت و پشتیبانی ازم کنه برای تأمین نیازهامون تلاش کنه و این می‌تونه باعث انرژی آدم بشه و با شوق و ذوق فراوان آدم سعی میکنه یه محیط شاد و آرامی را ایجاد کنه [فهمیه، ۳۴ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید:

اگه مرد به زندگی وفادار باشه، با همسرش مشورت کنه، اعتیاد نداشته باشه و زیر بار کارها شونه خالی نکنه و به نوعی برای حفظ محیط خانواده تلاش کنه و حتی مشارکت کنه مطمئناً این احساس از لحاظ روحی برای زن ایجاد میشه [مدینه، ۴۹ ساله].

بنابراین نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که رشد و کمال انسان چه از لحاظ روحی و فردی و چه از لحاظ اجتماعی به مسئولیت‌پذیری او ارتباط دارد؛ همچنین به لحاظ افزایش رفاه اجتماعی و تسکین روانی افراد جامعه فوق‌العاده تأثیرگذار خواهد بود؛ بنابراین در محیط خانواده‌ای که افراد مسئولیت‌پذیر باشند و هرکدام از افراد نیز وظایف خود را درست انجام دهند این خود می‌تواند یک آرامش ذهنی برای دیگران ایجاد کند که خود این مسئولیت‌پذیری می‌تواند احساس امنیت را در محیط خانواده برقرار کند.



۳- وضعیت اقتصادی

درباره این مقوله هم با نگاهی گذرا به عنوان آن، کاملاً مشخص است که منظور از وضعیت اقتصادی اشاره به موقعیت اقتصادی افراد است. اگرچه بعضی از مصاحبه‌شوندگان اصل اساسی ناامنی را در مشکلات اقتصادی می‌دانند آن‌ها معتقدند که وقتی یک مرد نتواند از لحاظ اقتصادی خانواده را تأمین کند دچار آسیب‌هایی می‌شود که این آسیب‌ها روحیه وی را خراب می‌کند و وقتی وارد محیط خانه می‌شود این آسیب‌ها با کوچک‌ترین خدشه‌ای احساس ناامنی را ایجاد می‌کند به گونه‌ای که یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

همیشه گفت امنیت هم وجود نداره تا حدودی امنیت وجود داره اما یه سری عوامل باعث میشه که آدم از لحاظ روانی به هم بریزه، در حال حاضر جامعه ما داره بحران‌هایی را تجربه میکنه مثلاً بحران اقتصادی، رکود اقتصادی و این بحران‌ها باعث شده هم از لحاظ اقتصادی و هم از لحاظ امنیتی آدم احساس ناامنی کنه و خود این بحران‌ها معمولاً خانواده را به انزوا می‌بره مردان را به بیراهه کشانده و نسبت به زنان بی تفاوت میشن [لیلا، ۳۸ ساله].

۴- رسانه‌های جمعی

رسانه در دنیای امروز بخشی از هویت افراد شده‌اند و به سادگی نمی‌توان از تأثیرات رسانه‌ها گذشت اما نظرات در این خصوص متفاوت است و عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان در دنیای امروز به طوری کلی رسانه‌ها و حتی فضای مجازی را مخرب جامعه و از آن مهم‌تر مخرب محیط خانواده و فروپاشی آن می‌دانند و معتقدند که محتوای رسانه‌ها و فضاهای مجازی بیشتر بحران‌ها را منعکس می‌کنند این فضاها باعث ایجاد نوعی ناامنی در جامعه و به تبع آن در محیط خانواده نیز شده‌اند چراکه محتوای رسانه‌ها بیشتر ناامنی را جلوه می‌دهد تا اینکه یک نوع آرامش به افراد بدهد و در واقع مصاحبه‌شوندگان معتقدند که برخلاف اینکه رسانه و فضاهای مجازی به استحکام خانواده‌ها کمک کند دچار فروپاشی بنیان خانواده شده‌اند چراکه سعی در تزلزل ارزش‌های اصیل و جایگزینی ارزش‌های لذت‌گرایانه دارند و این ویژگی و سوسه‌برانگیز رسانه به نوعی ناامنی و ترس را در بین زنان ایجاد کرده بنابراین رسانه‌ها و فضاهای مجازی با توجه به نوع برنامه‌های لذت‌گرایی که دارند می‌تواند کم‌کم بنیان خانواده را متزلزل کند چراکه هر یک از افراد را حتی در چارچوب خانواده فردی می‌داند که

باید امیال خودش را نیز برآورده کند و تنها نباید به دیگران توجه کند. بسیاری از مصاحبه‌شوندگان معتقدند که رسانه و فضای مجازی باعث بحران شده‌اند که در ذیل به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود.

یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

امروزه جامعه طوری شده که آدم به همه بی‌اعتماد میشه چراکه وجود این فضاهای مجازی، این تلگرام و این چیزها و از همه مهم‌تر این ماهواره منو دچار یک فشار روانی کرده و این باعث شده که باوجود اعتماد به شوهرم احساس اضطراب کنم چراکه برنامه‌های ماهواره‌ای جوری هست که مرد را به بیرون از خونه و روی آوردن به سمت دیگر زنا میکشه و این تو خانواده خیلی استرس ایجاد میکنه [فاطمیما، ۲۰ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

الآن من احساس امنیت کمی دارم به خاطر ترس از خیانت طرف مقابلم مخصوصاً با به وجود اومدن این فضاهای مجازی [زهرا، ۲۱ ساله].

مصاحبه‌شونده دیگری معتقد است که:

از لحاظ عاطفی خانواده‌ها دچار بحران شدند با ورود باورهای غربی و تفکرات غلطی که این ماهواره‌ها و شبکه‌ها دارن تبلیغ می‌کنن بنیان خانواده‌ها هم به خطر میفته و این‌ها باعث شده که تا حدودی احساس آرامشه وجود نداشته باشه [زهرا، ۳۹ ساله].

۵- سازوکار ارتباط و تعامل با دیگران

معمولاً هرکسی برای خود با تعدادی از افراد ارتباط برقرار می‌کند تا براین اساس محیطی به نام دایره رفتارها شکل بگیرد. ضرب‌المثلی در این مورد وجود دارد که کمال هم‌نشینی در من اثر کرد. این به این معنی است که با هرکسی رفت‌وآمدی داشته باشید به تدریج شیوه رفتاری او در شما نیز اثر خواهد داشت. به‌گونه‌ای که در این زمینه نظریه‌های نیز وجود دارد. برای مثال بعضی از نظریه‌های کج‌روی معتقدند که همراهی با دوستان بزهکار می‌تواند فرد را نیز بزهکار کند؛ بنابراین رفتارهای افراد در محیط خانواده نیز می‌تواند ناامنی را در محیط خانواده‌ها ایجاد کند به همین دلیل است که این ارتباطات خیلی مهم هستند و لازم است



افراد تا حدودی روابط خود را محدود به موقعیت‌ها و افرادی کنند که تهدیدی برای امنیت آنان نباشد. در این زمینه نیز مصاحبه‌شوندگان نظراتی دارند.

یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

من روابطم رو با افرادی که روی اونها شناخت کافی دارم و مورد اعتماد خودم و خانواده قرار دارن برقرار می‌کنم. چیزهایی که برام مهمه همسر رعایت کنه خودم هم رعایت می‌کنم چون همه چیز دوطرفه است. همیشه من از همسرم توقع عفاف داشته باشم ولی خودم عقیف نباشم [شهین، ۳۵ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

من در محیط خانواده احساس ناامنی نداشتم چون به همسرم اعتماد دارم؛ و از طرفی در روابط و رفت‌وآمدهای خانوادگی با هرکسی رفت‌وآمد نداریم. اکثراً فامیل هستند و دوستان رو تقریباً حذف کردم توی رفت‌وآمد با همسر اما خودم باهاشون ارتباط دارم [مدینه، ۴۹ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

من سعی می‌کنم با افرادی رابطه برقرار کنم که حداقل پوشش مناسب و رفتار و اخلاقای مناسب رو دارن و حریم‌های زندگی متأهلی رو رعایت کنن ارتباط داشته باشم که قطعاً رعایت این موردها باعث امنیت بیشتر نیز میشه [لیلا، ۳۸ ساله].

۶- فرافکنی شادی و ملزومات کنشی آن

انسان برای تسلط بر طبیعت، فرار از ناامنی و تهدید و دست‌یابی به امنیت و احساس ایمنی، زندگی اجتماعی را برگزید و آنگاه به موازات گسترش اجتماعات و با پیچیده‌تر شدن روابط و تعاملات اجتماعی، وارد روابط گوناگونی شد که عرصه‌های زندگی را تحت‌الشعاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... از هم متمایز کرده و امنیت او را تحت‌الشعاع قرارداد. بدین ترتیب بشر با تجمع و تشکیل جامعه، بستری نو برای تهدید امنیت خود فراهم آورد که از زندگی جمعی او ناشی می‌شد. در این میان شاید خانواده یکی از مهم‌ترین مکان‌ها برای امنیت و احساس آن در بین خانواده‌ها می‌شود. براین اساس هدف از ازدواج و وارد شدن به مکان خانواده خود نیز یکی از دلایل امنیت بین افراد است چراکه دغدغه‌های

ذهنی و روانی افراد را برطرف می‌کند و آن‌ها می‌توانند با خیال راحت تصمیم بگیرند؛ بنابراین خانواده مکان مهمی برای تأمین امنیت افراد است؛ لذا زمانی که این احساس امنیت در فرد ایجاد شود فرد رضایت بیشتری از زندگی خود داشته و احساس شادی و نشاط می‌کند و به دنبال آن بنیان خانواده مستحکم‌تر و احترام و صداقت بیشتری در روابط درون خانواده پدیدار می‌شود.

در این مورد یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

احساس امنیت در خانه برای یک زن احساس دلگرمی ایجاد می‌کند و اون زن هم سعی می‌کند تا محیط خانواده را شاد و سرزنده نگه داره، وظایف خودشو با عشق و علاقه انجام میده [نیلوفر، ۳۲ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

به نظرم هرکس که احساس امنیت را لمس کرده میتونه بفهمه دنیا چقدر زیباست. احساس امنیت این حس را به تو القا می‌کند که شاد باشی و زندگی آرامی داشته باشی و دنیا را زیبا ببینی و همیشه مثبت نگر باشی و نگاه مثبت باعث میشه که آدم زندگی را زیبا ببینه و در کنار آدمای دیگر زندگی خوبی داشته باشه. وقتی آدم احساس آرامش داشته باشه مبینه چقدر اطرافش قشنگ هست [مهسا، ۳۴ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

اگر زن در خونه احساس امنیت کنه، احساس خوشبختی هم داره و به زندگیش میرسه، فرزندان خوبی تربیت می‌کنه و اینکه با توجه به او صمیمیت و صداقت مشکلاتشو میتونه با شوهرش در میون بذاره و همیشه هم متقابلاً درکش میکنه، خلاصه اینکه امنیت در کنار شوهر خوشبختی میاره واسه زن و اگه زن خوشبخت باشه مرد هم راضیه از خودش و اونم خوشبخته [فهیمة، ۳۴ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

احساس امنیت برای هرکسی متفاوته شاید من یه سری دلیل برای امنیت داشته باشم ولی دیگری نظرش با من متفاوت باشه اما این رو میدونم به هر دلیل اگر احساس امنیت کنم



شادی و نشاط بیشتری دارم پایه‌های خانواده محکم‌تر می‌شود و فرزندان خوبی می‌تونم تربیت کنم [سارا، ۲۹ ساله].

به‌طورکلی نگاه زنان در اینجا این است که محیط خانواده می‌تونه احساس آرامش و شادی ایجاد کند و حتی این آرامش و شادی می‌تواند در جامعه تأثیرات فراوانی داشته باشد. از جمله اینکه به تبع شاد بودن در خانه و احساس امنیت داشتن این حس می‌تواند به جامعه نیز منتقل شود و علاوه بر محیط خانواده در سطح جامعه نیز شاهد آرامش و امنیت بیشتری باشیم و پیامدهای مثبتی از جمله مثبت نگر بودن و انجام دادن کارکردهای بهتر می‌تواند ایجاد کند.

۷- تزلزل بنیان هنجاری و ارزشی

محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان و زمینه‌ساز رشد جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی آنان است. نهاد خانواده از جمله عمومی‌ترین نهادهای اجتماعی است که معمولاً در تمام جوامع وجود دارد و مهم‌ترین تکیه‌گاه و محور زندگی اجتماعی است. در حقیقت فرد در خانواده متولد می‌گردد و در سازمان خانواده زندگی می‌کند و در مواقع نیاز به خانواده روی می‌آورد و در پرتو زندگی خانوادگی سکون و آرامش می‌یابد. نهاد خانواده در همه ادوار و جوامع، پذیرفته شده و توسعه یافته است و اولین پایگاه عناصر فرهنگی به نسل جدید است و از جمله عوامل مؤثر در ایجاد تمدن فرهنگ بشری و رشد و شکوفایی استعدادهای آدمی است. بنابراین یک از آسیب‌های جدی موجود در بعضی خانواده‌ها، احساس ناامنی است. بعد از نیاز به آب و غذا و هوا، مهم‌ترین نیاز هر انسان در زندگی، احساس امنیت است. روانشناسان احساس امنیت را خیلی مهم‌تر از عشق و محبت و ... می‌دانند و اگر در خانواده‌ای این امنیت وجود نداشته باشد و یا کم‌رنگ گردد، به همان اندازه به استحکام نظام خانواده لطمه وارد خواهد شد. عدم احساس امنیت در محیط خانواده‌ها می‌تواند پیامدهای زیان‌باری برای فرد و جامعه داشته باشد و این کار می‌تواند هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل کند. به‌گونه‌ای که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان به این پیامدها اشاره کرده‌اند که در ذیل به گزیده‌ای از متن مصاحبه‌ها می‌پردازیم.

در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

آگه من در محیط خونه احساس امنیت نداشته باشم به بیرون از محیط خونه روی میارم و به سمت جامعه فرار می‌کنم که این باعث مشکلات زیادی مثل اعتیاد میشه، عدم امنیت باعث افسردگی و ترس و بسیاری از بیماری‌های روانی دیگر می‌شود [مرضیه، ۲۴ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

خب زن باید در کنار همسرش احساس امنیت کنه، اگر نکنه طبیعتاً به‌مرور خودش هم از انجام وظایفش دلسرد می‌شود و این باعث اختلال در نظم خانواده می‌شود و به‌مرور اعضای خانواده را از هم دور می‌کند و بچه‌ها نیز در چنین محیطی به‌خوبی رشد نمی‌کنن و ممکنه با ادامه این وضع خانواده نیز از هم بیاشه [فرشته، ۴۳ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

آگه زن احساس ناامنی کنه به بیرون از خانواده پناه می‌برن و برای فرار از ناامنی خانواده ناامنی جامعه را می‌پذیرن و در بسیاری موارد پناه بردن زنان به جامعه بزهکاری و فحشا ایجاد میکنه [نیلوفر، ۳۲ ساله].

یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

نبود احساس امنیت در محیط خانه باعث میشه که زن دچار انزوا بشه، در دام دوستان ناباب بیفته، به دنبال محبت بیرون از خونه بره چراکه بتونه خودشو آروم کنه و توجه دیگران رو برای رسیدن به آرامش به خودش معطوف کنه [سارا، ۲۹ ساله].

به‌طورکلی مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که عدم احساس امنیت حتی در محیط خانواده می‌تواند پیامدهای ناگواری داشته باشد که این پیامدها نه‌تنها محیط خانواده را از هم می‌پاشد بلکه باعث سقوط جامعه و ارزش‌های آن می‌شود برخی از پیامدهای عدم احساس امنیت که زنان به آن اشاره کرده‌اند عبارت‌اند از: بی‌بندوباری، فحشا، نابسامانی خانواده، گرایش به بیرون از محیط خانواده، بداخلاقی در محیط خانه، عدم اعتماد، عدم رضایت از زندگی، عدم آرامش، طلاق، بی‌تفاوتی



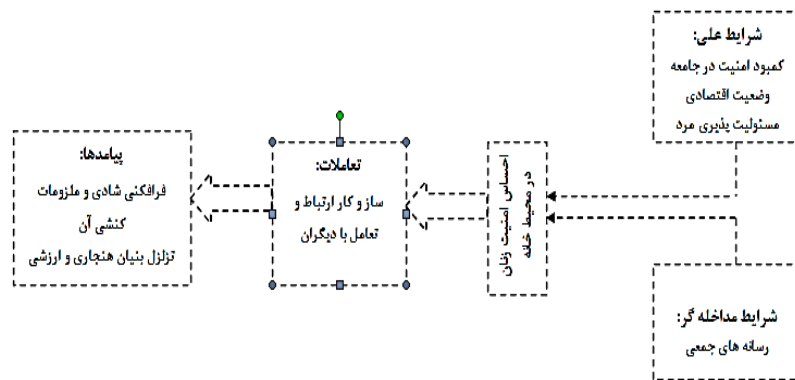
هسته مرکزی: احساس امنیت به مثابه درون سازگی و برون سازگی احساس امنیت

مقوله هسته این پژوهش بر اساس ۷ مقوله اصلی با عنوان درون سازگی و برون سازگی احساس امنیت شکل گرفته است. بر اساس مقوله هسته که خود برگرفته از سایر مقوله‌های عمده است، زنان احساس امنیت را به مثابه درون سازگی و برون سازگی امنیت درک و تفسیر می‌کنند. به این معنا که زنان احساس امنیت را دارای چند بعد می‌دانند. چراکه آن‌ها احساس امنیت را به اقتصاد، فرهنگ و اجتماع نیز بسط داده‌اند و بر اساس مصاحبه‌های انجام شده آن‌ها این ابعاد را در احساس خود مهم می‌دانند. بر این اساس انتخاب مقوله برون سازگی به همین دلیل است که امنیت را بیرون از محیط خانواده باید باشد تا محیط خانواده نیز کارکردهای خود را انجام دهد و افراد بتوانند احساس امنیت داشته باشند. از طرفی امنیت یک احساس نیز هست و هر کس برداشت‌های متفاوتی از آن دارد؛ بنابراین احساس امنیت چیزی هست که در درون فرد ساخته می‌شود و این احساس می‌تواند تحت تأثیر عوامل بیرونی باشد. لذا بخشی از امنیت را خود افراد می‌سازند و بخشی هم تحت تأثیر ساختار خارجی خانواده است. بر همین اساس مقوله هسته درون سازگی و برون سازگی امنیت نام‌گذاری شد.

نظریه مبنايي پژوهش

در این بخش، به دنبال شرح کامل مدل پارادیمی استخراج شده از داده‌های پژوهش هستیم. خط داستان موجود در این پژوهش با محوریت مقوله هسته یعنی احساس امنیت به مثابه درون سازگی و برون سازگی احساس امنیت پدید آمده و در قالب مدل پارادیمی (تصویر شماره ۱) ترسیم شده است. بر اساس این مدل می‌توان گفت احساس امنیت زنان در محیط خانواده تحت تأثیر شرایط خاصی بوده است. این مقوله‌ها در سه دسته مقولات شرایطی، مقولات تعاملی و مقولات پیامدی طبقه‌بندی شده‌اند. مقولات شرایطی عبارتند از: کمبود امنیت، مسئولیت‌پذیری، وضعیت اقتصادی و رسانه‌های جمعی. در این میان تحدید روابط به‌عنوان مقولات تعاملی مطرح شده است و مقولات پیامدی نیز شامل فرافکنی شادی و ملزومات کنشی آن و تزلزل بنیان هنجاری و ارزشی است.

احساس امنیت در محیط خانواده می‌تواند پیامدهایی نیز داشته باشد. در این زمینه می‌توان گفت که احساس امنیت در خانه می‌تواند پیامدهای مثبتی از جمله فرافکنی شادی و ملزومات کنشی آن داشته باشد و در واقع این احساس وقتی در بین خانواده‌ها و به خصوص زنان وجود داشته باشد می‌تواند فضای خانه و محیط آن را سرشار از نشاط و شادی بکند؛ اما عدم این احساس در بین زنان حتی در خانواده می‌تواند بنیان‌های ارزشی و هنجاری خانواده‌ها و حتی به تبع آن جامعه را نابود کند و در واقع ارزش‌ها و هنجارهای موجود را به ورطه سقوط بکشاند و جامعه را دچار ناامنی کند لذا توجه به احساس امنیت در محیط خانواده می‌تواند تا حدی راهگشای مشکلات جوامع نیز باشد.



تصویر ۱. مدل زمینه‌ای مواجهه زنان با احساس امنیت به مثابه درون سازگی و برون سازگی احساس امنیت

بحث و نتیجه‌گیری

امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است. امنیت در مورد افراد به این معناست که مردم هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته به هیچ وجه حقوق ایشان به مخاطره نیفتند و هیچ عاملی حقوق مشروع آن‌ها را تهدید نکند. لزوم و ضرورت امنیت در جامعه به این مفهوم، از طبیعت حقوق بشری ناشی می‌گردد و لازمه حقوق و آزادی‌های مشروع، مصونیت آن‌ها از تعرض و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات امنیت است. این در حالی است که احساس امنیت یک پدیده روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی است. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد و از شرایط و اوضاع محیط پیرامون است و افراد مختلف به صورت‌های



گوناگون آن را تجربه می‌کنند. احساس آزادی نسبی از خطر این احساس وضع خوشایندی را در افراد ایجاد می‌کند که فرد در آن دارای آرامش روحی و جسمی می‌گردد. براین اساس خانواده همواره جایگاهی برای امنیت و احساس امنیت افراد از جمله زنان بوده است. زمانی که خانواده کارکردهای خود را به درستی انجام دهد احساس امنیت نیز در آن شکل می‌گیرد. لذا احساس امنیت به احساس رهایی انسان از اضطراب، بیم و خطر اطلاق می‌شود. در واقع، زمانی که فرد احساس کند در جامعه و تعاملات اجتماعی خطری جان، مال یا سلامتی وی را مورد تهدید و تعرض قرار نمی‌دهد، می‌توان گفت فرد دارای احساس امنیت است. براین اساس یکی از نیازهای اساسی برای زنان وجود احساس امنیت در محیط خانواده است. نبود احساس امنیت می‌تواند محیط خانه و حتی جامعه را دچار هرج و مرج کند و نسلی مضطرب و سرشار از استرس را روانه جامعه کند چراکه زنان نقش خطیر مادری را نیز بر عهده دارند؛ بنابراین با توجه به مقولاتی که از مصاحبه‌ها استخراج شد و توضیحات ارائه شده مقوله **درون سازگی و برون سازگی احساس امنیت** به عنوان مقوله هسته و محوری انتخاب شد. دیدگاه زنان در مواجهه با احساس امنیت در محیط خانواده را می‌توان با درون سازگی و برون سازگی احساس امنیت درک و تفسیر کرد؛ بنابراین احساس امنیت زنان را می‌توان با مفهوم درون سازگی و برون سازگی احساس امنیت درک و تفسیر کرد. به این معنا که زنان احساس امنیت را دارای چند بعد می‌دانند. چراکه آن‌ها احساس امنیت را به اقتصاد، فرهنگ و اجتماع نیز بسط داده‌اند و بر اساس مصاحبه‌های انجام شده آن‌ها این ابعاد را در احساس خود مهم می‌دانند. براین اساس انتخاب مقوله برون سازگی به همین دلیل است که امنیت را بیرون از محیط خانواده باید باشد تا محیط خانواده نیز کارکردهای خود را انجام دهد و افراد بتوانند احساس امنیت داشته باشند. از طرفی امنیت یک احساس نیز هست و هر کس برداشت‌های متفاوتی از آن دارد؛ بنابراین احساس امنیت چیزی هست که در درون فرد نیز این احساس ساخته می‌شود و این احساس می‌تواند تحت تأثیر عوامل بیرونی باشد. لذا بخشی از امنیت را خود افراد می‌سازند و بخشی هم تحت تأثیر ساختار خارجی خانواده است. بر همین اساس مقوله هسته درون سازگی و برون سازگی امنیت نام‌گذاری شد.

همان طور که در تشریح و تفسیر مقولات گفته شد، دیدگاه زنان در قبال احساس امنیت در خانواده اکثراً مثبت بوده و تقریباً محیط خانواده را محیطی برای آرامش می‌دانند و حتی ازدواج را راهی برای رسیدن به آرامش می‌دانند؛ بنابراین بر اساس همین دیدگاه راضی به ازدواج می‌شوند و به نوعی خانواده جایگاه و شأن اجتماعی خاصی به افراد اعطا می‌کند که بدون آن انسان ناقص است. اما بر اساس مصاحبه‌های انجام شده از دید زنان محیط خانواده اگرچه انسان را به آرامش می‌رساند اما عدم احساس امنیت در این محیط به مراتب پیامدهای ناگوارتری را نسبت به همین احساس در جامعه دارد که این پیامدها شامل گرایش زنان به بیرون از محیط خانواده، بی‌بندوباری، فحشا و بزهکاری، ازهم‌پاشیدگی خانواده، بداخلاقی، عدم اعتماد، عدم رضایت از زندگی، عدم آرامش، جدایی از همسر، عدم مسئولیت، انزوای اجتماعی، بی‌تفاوتی در جامعه برای زنان است که این عدم توجه به امنیت زنان در محیط خانواده می‌تواند جامعه را دچار هرج و مرج کند و در واقع اصول ارزشی و هنجاری جامعه را به ورطه سقوط بکشانند؛ بنابراین پیامدهای عدم امنیت نه تنها محیط خانواده را به سمت نابودی می‌کشاند بلکه با ورود افرادی که ناامنی را احساس کرده‌اند و حرکت به سمت جامعه خود می‌تواند اثرات زیان باری را به افراد و همچنین جامعه وارد کند. به عبارت کلی‌تر، مواجهه با عدم امنیت به مثابه درون‌سازگی و برون‌سازگی (ساخت درونی و برونی آن) در میان زنان متأثر از یک سری بسترها و شرایط است. شرایط و بسترهای احساس امنیت عبارتند از: کمبود امنیت در جامعه، مسئولیت‌پذیری، وضعیت اقتصادی، وجود امنیت در خانواده، عدم امنیت در خانواده، رسانه‌های جمعی و دایره رفتارها هستند که هرکدام به تفصیل توضیح داده شدند.

این چنین شرایطی باعث شده تا احساس امنیت به صورت یک طیف مطرح شود. در یکسر این طیف احساس امنیت را می‌توان برشمرد که متأثر از ساختار بیرونی محیط خانواده (به عنوان مثال جامعه) است و در سر دیگر آن طیف احساس امنیت در محیط خانواده است که چنانچه این احساس وجود نداشته باشد پیامدهای فراوانی برای جامعه می‌تواند به بار آورد. به طور کلی نتایج نشان‌دهنده احساس امنیت در محیط خانواده است اما گاهی نیز نوعی ترس در بین زنان وجود دارد. لذا ذکر عواملی که در اینجا بیان شد باید مورد توجه



مدیران و برنامه ریزان قرار بگیرد چراکه نبود امنیت در خانواده‌ها می‌تواند شرایط جامعه را بحرانی کند و پیامدهای زیان باری برای جامعه داشته باشد. از طرفی برنامه ریزان باید سعی در رفع مشکلات اقتصادی داشته باشند چراکه یافته‌ها نشان داده که این عامل می‌تواند مهم باشد و پیامدهای ناگواری را برای زنان و حتی جامعه داشته باشد.

منابع فارسی

۱. اباذری، یوسف؛ صادقی فسایی، سهیلا و حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷). احساس ناامنی در تجربه زنان از زندگی روزمره، زن در توسعه و سیاست، دوره ششم، شماره ۱: ۱۰۳-۷۵.
۲. احمدی، سیروس و حیدری، آرمان (۱۳۹۳). بررسی تفاوت‌های جنسیتی در احساس ناامنی، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره سوم، شماره ۱: ۴۴-۳۱.
۳. مکتوبیان، مریم؛ قاسمی، وحید و هاشمیان فر، سیدعلی (۱۳۹۴). بیان مدلی داده بنیاد برای بررسی جامعه‌شناختی آزار جنسی و احساس ناامنی زنان در بیمارستان‌ها، بررسی مسایل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)، دوره ششم، شماره ۱: ۱۹۲-۱۵۱.
۴. جهانگیری، جهانگیر و مساوات، ابراهیم (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر امنیت اجتماعی زنان مورد مطالعه: زنان ۱۵-۴۰ سال شهر شیراز، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، دوره دوم، شماره ۲: ۵۵-۴۱.
۵. مستوفی، اکرم (۱۳۹۲). بررسی رابطه هویت اجتماعی با احساس امنیت در زنان شهر تهران، پلیس زن، دوره هفتم، شماره: ۱۹: ۷۷-۵۵.
۶. گلی، علی؛ قاسم زاده، بهنام؛ فتح بقالی، عاطفه و رمضان مقدم واجاری، یاسمن (۱۳۹۴). عوامل موثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک ائل گلی تبریز)، مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، دوره هجدهم، شماره ۶۹: ۱۳۶-۹۷.
۷. قدسی، محمدعلی؛ نقدی، اسدالله و رویین تن، محبوبه (۱۳۹۶). تصور ذهنی و تجربه عینی زنان از امنیت (مورد مطالعه: زنان شاغل در بخش غیررسمی در شهر همدان)، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ششم، شماره ۲: ۳۰۶-۲۸۵.
۸. قادرزاده، امید و خزایی، سارا (۱۳۹۳). بررسی کیفی پیامدهای معنایی ناامنی زنان در فضاهای عمومی، زن در توسعه و سیاست، دوره دوازدهم، شماره ۳: ۴۲۴-۴۰۵.
۹. صادقی فسایی، سهیلا و لاریجانی، مهسا (۱۳۹۲). آزار جنسی در محیط کارتهدیدی بر امنیت اجتماعی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره هفتم، شماره ۲: ۱۱۱-۸۷.
۱۰. یآوری بافتی، امیرحسین و پوراسدی، محمد (۱۳۹۰). رویکرد آمیخته پژوهی در امنیت پژوهی: چستی و چرایی، مطالعات مدیریت انتظامی، سال ششم، شماره ۴: ۶۶۵-۶۴۵.
۱۱. سراج زاده، سید حسین؛ آقایاری هیر، توکل و خضری، نشمین (۱۳۹۶). تبریز، شهر بدون گدا: مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه شهروندان با پدیده تکدی‌گری، مسائل اجتماعی ایران، دوره هشتم، شماره ۱: ۴۷-۲۷.
۱۲. ذکایی، سعید (۱۳۸۱). نظریه و روش تحقیق کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره نهم، شماره ۱۷: ۶۹-۴۱.



۱۳. پورعابدی، محمدرضا (۱۳۹۵)، طراحی مدل چیره دستی در سازمان های علمی و فناوریانه بر مبنای نظریه پردازی داده بنیاد (مطالعه موردی: جهاد دانشگاهی)، مدیریت دولتی، دوره هشتم، شماره ۱: ۵۴-۳۳.
۱۴. ذاکری هامانه، راضیه (۱۳۹۰)، بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی آن (مطالعه موردی: شهر یزد)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد.
۱۵. حسین زاده، علی حسین؛ نوح، عبدالرضا و ساکی، هدا (۱۳۹۳). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه شهید چمران اهواز، علوم اجتماعی شوشتر، سال هشتم، شماره ۱: ۸۱-۱۰۲.
۱۶. نیازی، محسن و فرشادفر، یاسمن (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال (۱) و (۲) و مناطق جنوب (۱۹) و (۲۰) شهر تهران، مطالعات جامعه شناختی شهری، دوره اول، شماره ۱: ۱۷۸-۱۴۷.
۱۷. حمیدی، فریده؛ افروز، غلامعلی و کیامنش، علیرضا (۱۳۸۳). بررسی ساخت خانواده دختران فراری و اثربخشی خانواده درمانی و درمانگری حمایتی در تغییر آن، مجله روانشناسی، سال هشتم، شماره ۲: ۱۲۷-۱۱۴.
۱۸. خسروپور، سودابه (۱۳۹۲). بررسی نقش و کارکرد نهاد خانواده در تحقق امنیت اجتماعی در شهر قزوین، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی قزوین، دوره دوم، شماره ۶، ۹۰-۵۹.
۱۹. بیات، بهرام (۱۳۸۸)، بررسی عوامل موثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (تاکید بر رسانه های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرم)، فصلنامه انتظام اجتماعی، شماره اول، ۵۵-۳۱.
۲۰. حسونند، اسماعیل و حسونند، احسان (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهرستان سلسله)، فصلنامه نظم و امنیت انتظامی، سال چهارم، شماره ۴: ۵۷-۸۰.
۲۱. رحیمی خورشیدوند (۱۳۸۸)، نقش خانواده در تامین امنیت و جایگاه پلیس در ارتقاء آن، دوماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره ۲۶، ۳۹-۲۱.
۲۲. رحیمی، لیلا و صبوری، صابر (۱۳۹۷). امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری و بررسی عوامل فیزیکی مؤثر بر آن (نمونه موردی: پارک ائل گلی تبریز)، فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، دوره پانزدهم، شماره ۴ (۵۳): ۷۷-۳۹.
۲۳. ساروخانی، باقر و نویدنیا، منیژه (۱۳۸۶)، امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۰۶-۸۷.
۲۴. سیدمیرزایی، سیده محمد؛ عبدلهی، زهرا و کمریگی، خلیل (۱۳۹۰)، بررسی رابطه میان عوامل اجتماعی و امنیت اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان شهر ایلام)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۸، ۱۰۸-۷۹.

۲۵. نجفی، حبیبه؛ خالق خواه، علی و طالبی، معصومه (۱۳۹۵). بررسی دلایل رفتارهای متعارض در سازمان برای ارائه تئوری زمینه ای (نظریه داده بنیاد)، پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره یک، شماره ۳: ۷۴-۵۹.
۲۶. محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، تجربه نوسازی: مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای، تهران: انتشارات جامعه شناسان

منابع انگلیسی

1. Abazari, Yousef; Sadeghi Fasaee, Soheila and Hamidi, Nafiseh (2008). Feelings of Insecurity in Women's Experiences of Everyday Life, Women in Development and Politics, Vol. 6, No. 1: pp.75-103.(text in persian)
2. Ahmadi, Sirus and Heydari, Arman (2014). A Study of Gender Differences in Feelings of Insecurity, Strategic Research on Security and Social Order, Vol. 3, No. 1: pp.31-44. (text in persian)
3. Bayat, Bahram (2009), A Study of Factors Affecting the Sense of Security of Tehran Citizens (Emphasis on Mass Media, Police Performance and Crime), Social Order Quarterly, No. 1, pp. 31-55. (text in persian)
4. Fineran, s., Gruber, J.E.,(2009). "youth at work: Adolescent employment and sexual harassment", Child Abuse & Neglect, 33(8), 550- 559.
5. Gaunt, R & Benjamin, O (2008). "Job Insecurity, Stress and Gender", Community, Work and Family, Vol. 10, No. 3, pp. 341-355.
6. Ghodsi, Mohammad Ali; Naqdi, Assadollah and Royintan, Mahboubeh (2016). Women's Mental Perception and Objective Experience of Security (Case Study: Women Working in the Informal Sector in Hamadan), Social Studies and Research in Iran, Vol. 6, No. 2: pp.285-306. (text in persian)
7. Gilow, M.,(2016). "Travelling in Brussels and feeling unsafe: women's perceptions and strategies", Brussels Studies [Online], General collection, N.87,pp.1-7.
8. Goli, Ali; Qasemzadeh, Behnam; Fath Baqali, Atefeh and Ramazan Moghadam Vajari, Yasman (2015), Factors Affecting Women's Social Security in Urban Public Spaces (Case Study: Ail Goli Park, Tabriz), Women's Strategic Studies (Women's Book), Vol. 18, No. 69: pp.97-136. (text in persian)
9. Hamidi, Farideh; Afrooz, Gholam Ali and Kiamanesh, Alireza (2004). Investigating the family structure of runaway girls and the effectiveness of family therapy and supportive therapy in changing it, Journal of Psychology, 8th year, No. 2: pp. 114-127. (text in persian)
10. Hassanvand, Ismail and Hassanvand, Ehsan (2011). A Study of Factors Affecting the Sense of Social Security of Youth (Case Study of Selseleh County), Quarterly Journal of Law Enforcement and Security, Fourth Year, No. 4: pp. 57- 80. (text in persian)
11. Hosseinzadeh, Ali Hossein; Nawah, Abdolreza and Saki, Heda (2014). Investigating the social factors affecting the formation of gender identity of female students of Shahid Chamran University of Ahvaz, Shushtar Social Sciences, 8th year, No. 1: PP. 81-102. (text in persian)
12. Jahangiri, Jahangir and Mosavat, Ebrahim (2013). Investigating the Factors Affecting the Social Security of Women Studied: Women 15-40 years old in



- Shiraz, Strategic Research on Security and Social Order, Vol. 2, No.2: pp.41-55. (text in persian)
13. Khosropour, Soodabeh (2013). A Study of the Role and Function of the Family Institution in Realizing Social Security in Qazvin, Qazvin Law Enforcement Quarterly, Vol. 2, No. 6, pp. 59-90. (text in persian)
 14. Maktoubian, Maryam; Ghasemi, Vahid and Hashemianfar, Seyed Ali (2015). Expression of the Foundation's data model for the sociological study of sexual harassment and feelings of insecurity of women in hospitals, a study of social issues in Iran (Social Science Letter), Vol. 6, No. 1: pp.151-192. (text in persian)
 15. Mohammadpour, Ahmad (2013), The Experience of Modernization: A Study of Change and Development in Horaman by Background Theory Method, Tehran: Sociologists Publications. (text in persian)
 16. Mostofi, Akram (2013). Investigating the Relationship between Social Identity and Sense of Security in Women in Tehran, Female Police, Vol. 7, No. 19: pp.55-77. (text in persian)
 17. Najafi, Habiba; Khaleqkhal, Ali and Talebi, Masoumeh (2015). Investigating the Reasons for Contradictory Behaviors in the Organization to Present Background Theory (Foundation Data Theory), New Advances in Behavioral Sciences, Vol. 1, No 3: 59-74.(text in persian)
 18. Niazi, Mohsen and Farshadfar, Yasman (2011). A study of the relationship between social trust and the sense of social security among women in the northern (1 and 2) and southern (19 and 20) areas of Tehran, Urban Sociological Studies, Vol. 1, No. 1: pp.147-178. (text in persian)
 19. Pourabedi, Mohammad Reza (2016), Designing a Master Model in Scientific and Technological Organizations Based on Data Foundation Theorizing (Case Study: University Jihad), Public Management, Vol. 8, No. 1: pp.33-54. (text in persian)
 20. Qaderzadeh, Omid and Khazaei, Sara (2014). A Qualitative Study of the Semantic Consequences of Women's Insecurity in Public Spaces, Women in Development and Politics, Vol. 12, No. 3: pp. 405-424. (text in persian)
 21. Rahimi Khorshidvand (2009), The role of the family in providing security and the position of the police in promoting it, Journal of Police Human Development, Vol. 6, No. 26, pp.31-39. (text in persian)
 22. Rahimi, Leila and Sabouri, Saber (2017). Women's Security in Urban Public Spaces and the Study of Physical Factors Affecting It (Case Study: Ail Goli Park, Tabriz), Quarterly Journal of Women's Psychological Social Studies, Vol. 15, No. 4 (53): pp.39-77. (text in persian)
 23. Sadeghi Fasaee, Soheila and Larijani, Mahsa (2013). Sexual harassment in a threatening environment on social security, Iranian Journal of Social Studies, Vol. 7, No. 2: pp. 87-111. (text in persian)
 24. Sarukhani, Baqer and Navidnia, Manijeh (2007), Social Security of Family and Residence in Tehran, Social Welfare Quarterly, Year 6, No. 22, pp.87-106. (text in persian)
 25. Seyed Mirzaei, Seyed Mohammad; Abdollahi, Zahra and Kamarbeigi, Khalil (2011), A Study of the Relationship between Social Factors and Social Security of Women Heads of Household (Case Study: Women in Ilam), Quarterly Journal of Social Security Studies, No. 28, pp.79-108. (text in persian)
 26. Sirajzadeh, Seyed Hossein; Aghayari Hir, Tavakol and Khezri, Nashmin (2017). Tabriz, a city without beggars: A sociological study of citizens'

- exposure to the phenomenon of begging, *Social issues of Iran*, Vol. 8, No. 1: pp.27-47. (text in persian)
27. Weaver, D. (2010), "Socital Security and Social Suport." *Journals of Gerontology, Series B: Psychological and Social Sciences* 61(1): PP. 24–34.
 28. Yavari Bafghi, Amir Hossein and Poursadi, Mohammad (2011). *Mixed Approach in Security Research: What and Why*, *Law Management Studies*, Year 6, No. 4: pp. 645-665. (text in persian)
 29. Zakeri Hamaneh, Razieh (2011), *A Study of the Sense of Social Security and Its Social Factors (Case Study: Yazd City)*, MA. Thesis, Faculty of Social Sciences, Yazd University. (text in persian)
 30. Zokaei, Saeed (2002). *Theory and method of qualitative research*, *Social Sciences Quarterly*, Vol. 9, No. 17: pp.41-69. (text in persian)



**A Qualitative Study of Women's Safety in the Family
Environment:
A Case Study of Women Referring to Counseling cNters in Karaj City**

Sadegh Jahanbakhshganjeh¹

Abstract

The present study aims to investigate women perception of social security in the family environment. To achieve the research goal, qualitative research methods (grounded theory) have been applied. In the same vein, 15 women from the city of Karaj were interviewed and data were coded and analyzed accordingly. First, interviews were conducted with each respondent, and after the data extraction and analysis, another responder was referred until the research reached saturation with fifteen people. The findings then were explicated in seven categories in the framework of grounded theory. In this research, it has been shown that the sense of security is considered as a spectrum. On one of the extremes of this spectrum, security can be counted as influenced by the external structure of the family environment (as an example of society). While on the other extreme, the sense of security in the family environment stands. The nonexistence of this sense can bring a lot of consequences for society. The results showed that honesty, life satisfaction, self-confidence, and intimacy are factors affecting the sense of security in the family. In addition, the consequences of a lack of security in the home environment can lead to debauch, addiction, a tendency to go out, and ill humour.

Keywords: Feeling of security, Family, Women, Grounded theory

¹PhD Candidate of Cultural Policy, University of Kharazmi, Tehran, Iran
S.jahanbakhsh68@gmail.com

Submit Date: 2018/06/04

Accept Date: 2020/05/25

DOI: 10.22051/JWFS.2020.20670.1774